

حالا نوبت دانه درشت‌ها است!

رییس‌جمهور باید فرمان رسیده‌گی به پرونده‌های فساد نجومی در معارف را صادر کند



صفحه ۶

مهاجرت بیش از دو و نیم میلیون افغانی در سال ۲۰۱۴



سازمان ملل در گزارشی اعلام کرد بیش از دو و نیم میلیون افغانی در سال گذشته میلادی (۲۰۱۴) مهاجرت کرده‌اند. مسوول امور پناهنده‌گان سازمان ملل در گزارشی اعلام کرد افغانستان پس از سوریه بیشترین مهاجر را در سال گذشته میلادی داشته است. بر اساس گزارش آقای انتونو گنرز، بیش از دو و نیم میلیون نفر افغانی در سال گذشته میلادی مهاجرت کرده‌اند. در حال حاضر سوریه با ۳٫۹ میلیون نفر بیشترین تعداد مهاجر در سطح دنیا را دارد. طبق گزارش سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۱۴ شصت میلیون نفر مجبور به مهاجرت شده‌اند که این رقم نسبت به سال ۲۰۱۳ میلادی شانزده درصد افزایش...
ادامه صفحه ۶

ادامه صفحه ۶

۷۶۹ میلیون دالر

صرف مکاتب خیالی فاروق وردک شده است



در نامه سپکو آمده است که اگر این اتهامات درست باشد، امریکا به مکاتبی کمک کرده و حقوق معلم‌هایی را پرداخته که وجود...
ادامه صفحه ۶

دکتر اسدالله حنیف بلخی وزیر جدید معارف افغانستان، گفت: در بعضی مناطق ناامن مکتبی وجود ندارند، اما امکانات، امتیازات و حقوق معلم‌ها پرداخت می‌شود. حنیف بلخی و فریده مومند وزیر تحصیلات عالی همچنین اظهار داشتند که مسوولین سابق این وزارت‌خانه‌ها با تحریف آمار پول اختلاس کرده‌اند و در نتیجه امتحانات ورودی دانشگاه‌ها نیز اعمال نفوذ داشته‌اند.

جان سپکو بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان، در نامه‌یی به اداره توسعه بین‌المللی امریکا خواستار تمرکز بر اتهامات وارد شده توسط وزیران جدید کابینه افغانستان شد.

اداره بازرسی ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان با ارسال نامه‌یی به اداره توسعه بین‌المللی این کشور خواستار ارایه توضیحات در مورد کمک‌های این اداره به وزارت معارف افغانستان شد.

اداره بازرسی ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان، (SIGAR) از اداره توسعه بین‌المللی امریکا (USAID) خواست که در مورد آمارهای کمک‌های واشنگتن به وزارت معارف افغانستان توضیح دهد.

براساس گزارش منتشر شده توسط اداره توسعه بین‌المللی امریکا، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ میلادی تعداد دانش‌آموزان در کشور از ۹۰ هزار به ۸ میلیون نفر رسیده است.

اولین بازار انترنتی

در افغانستان تأسیس می‌شود



Afghanistan Chamber of Commerce & Industries
اتاق تجارت و صنایع افغانستان
افغانستان د سوداگری او صنایعو اتاق

او افزود: «تجارت به خاطر وضعیت سیاسی پیش نمی‌رود و سرمایه‌گذاران از کشور فرار می‌کنند، اما بازار انترنتی به تاجران ما این امکان را می‌دهد که اجناس شان را بدون واسطه در جهان به فروش برسانند.» مبلغ ۲۰ میلیون دالر که برای انجام این پروژه لازم بود، توسط «پراید گروپ»...
ادامه صفحه ۶

دولت افغانستان می‌خواهد اولین بازار انترنتی را تأسیس کند تا تاجران بتوانند محصولاتشان را بدون واسطه به بازار جهانی عرضه کنند. این یکی از جدیدترین تلاش‌ها برای تقویت اقتصاد تضعیف شده افغانستان است.

بازار بین‌المللی تبادل اجناس افغانستان می‌خواهد دسترسی انترنتی به تاجران بین‌المللی را امکان‌پذیر سازد و صادرات افغانستان را که به راه‌های تجارتي کشورهای همسایه وابسته است، تقویت کند.

حسب رحیمی، مدیر اجرایی اتاق تجارت افغانستان به فرانس پرس گفت: «در ۱۴ سال گذشته، افغانستان بیشتر به واردات وابسته بود. تقریباً هیچ یک از تاجران ما به خریداران بین‌المللی دسترسی نداشتند و محصولات افغانستان از طریق واسطه به فروش می‌رسد.»

سفير ايران در کابل با رد حمایت از طالبان: خطر طالبان و داعش مشابه است



سفير ايران در کابل تاکید کرد که تهران به تروريست‌ها يا نیروهای افراطی هیچ کمکی نخواهد کرد.

به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، محمدرضا بهرامی سفير ايران در کابل تصريح کرد که تهران سلاح يا پول در اختيار طالبان قرار نمی‌دهد تا این گروه در برابر اقدامات داعش تقویت شود.

روزنامه وال استریت ژورنال اخیراً...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



رییس‌جمهوری در مصاف با مجلس نمایندگان

پایان بازی



زن؛ نیمه قربانی جستاری در باره حقوق زنان

بازی جاپان و افغانستان ۱۰۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه آزادی



احمد عمران

رییس جمهوری در مصاف با مجلس نماینده گان



سخن ماندگار «از ریش بز در پاچه بز»

گزارش‌ها مشعر اند که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، طرح جدیدی را برای اصلاحات در نظام انتخاباتی و فعالیت‌های این کمیسیون به رییس‌جمهور غنی فرستاده است. این درست همان چیزی است که شنیده بودیم: «از ریش بز در پاچه بز».

این طرح، حدود پنجاه صفحه گفته شده است که به قول مقام‌های کمیسیون انتخابات، ظرف دست‌کم سه ماه تدوین شده و برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت برای اصلاح نظام انتخاباتی و فعالیت‌های عملیاتی را در بر دارد. بر بنیاد گزارش‌ها، تهیه فهرست رای‌دهندگان، ظرفیت‌سازی در کمیسیون و استخدام کارمندان دائمی و استفاده از تکنالوژی در روز انتخابات، از برنامه‌های کوتاه‌مدت در این طرح است و نیز تأمین امنیت سرتاسری، توزیع شناس‌نامه‌های الکترونیکی، تهیه سرشماری دقیق از سراسر افغانستان و اصلاح قوانین انتخابات و تشکیل وظایف کمیسیون‌های انتخابات؛ از برنامه‌های درازمدت در این طرح است.

این طرح نشان می‌دهد که دولت با بحث اصلاح نظام انتخاباتی، فقط بازی راه انداخته و کسانی را مسوول اصلاح نظام انتخابات کرده است که خود عامل اصلی تقلب و مهندسی در انتخابات بوده‌اند. این در حالی است که بر بنیاد توافق‌نامه سیاسی امضا شده میان داکتر غنی و داکتر عبدالله که در واقع بنیاد مشروعیت دولت وحدت ملی را شکل می‌دهد، اصلاح نهادهای انتخاباتی بر عهده کمیسیون اصلاح نهادهای انتخاباتی است که تا کنون توسط رییس جمهوری ایجاد نشده است. اما حالا دیده می‌شود که به جای چنین کمیسیونی، بازم خود همین کمیسیون انتخابات به عنوان کوزه‌گر و کوزه‌خو و کوزه‌فروش وارد میدان شده و این نهایت افشاح را به نمایش می‌گذارد و از طرف دیگر، دیده می‌شود که ریاست‌جمهوری با چنین اقداماتی، به ریش مردم می‌خندد و به آن‌ها و اعتراض‌هایشان ارزشی قابل نمی‌شود.

این همه در حالی صورت می‌گیرد که جامعه جهانی ارایه هر نوع کمک به کمیسیون مستقل انتخابات را مشروط به آوردن اصلاحات در کمیسیون‌ها و نظام انتخاباتی اعلام کرده است. ولی مسلماً اگر اصلاحات همین چیزهایی باشد که در طرح کمیسیون مستقل انتخابات مطرح شده، باید خواب انتخابات شفاف در افغانستان را دید!

بی‌تردید، نقص کار انتخابات در افغانستان، بسیار واضح است و آن این‌که: یک تعداد افراد ناصداق در کمیسیون انتخابات حضور دارند که با به‌راه‌اندازی تقلب، به انتخابات خیانت کرده‌اند. این افراد باید برکنار شوند و افراد صادق جای آنان را پر کنند و به عبارت دیگر، باید اصلاحات بنیادی در کمیسیون انتخابات به گونه فوری به میان آید و به جای افرادی که انتخابات را به بحران کشاندند، افراد شایسته تعیین شود. کل قصه اصلاحات همین است و بعد، اصلاح طرزالعمل‌هاست که از بحث‌های بسیار مهم در پروسه اصلاحات شمرده نمی‌شود.

بنابراین تا زمانی که اصلاحات در نهادهای انتخاباتی به عنوان یک موضوع، جدی گرفته نشود و مردم نبینند که این نهادها به‌راستی اصلاح شده‌اند، کسی به پای صندوق‌های رای نمی‌رود. انتظار می‌رود که طرف دیگر توافق‌نامه سیاسی در خصوص اصلاح نهادهای انتخاباتی، کوشش‌های بیشتری از خود نشان دهد و باید اصلاحات انتخاباتی به عنوان یک خط سرخ در کشور مطرح گردد. در غیر آن، دموکراسی و انتخابات و تعیین سرنوشت و دست یافتن به عدالت اجتماعی در این کشور خواب و خیال خواهد بود!

باشد، اهل خودبزرگ‌بینی و گرافه‌گویی است. آقای غنی به دلیل این‌که بخشی از مأموریت خود را در نهادهای بین‌المللی سپری کرده، دیگران را از خود در جایگاه پایین‌تری می‌بیند و به همین دلیل، به آن‌ها اهانت و بی‌احترامی می‌کند. او در زمانی هم که در وزارت مالیه کار می‌کرد نیز با زیردستان خود رویه خوب نداشت. همین روحیه و رویه سبب شده است که آقای غنی به‌صورت پیوسته خود را با نهادها و افراد رو در رو سازد. او گاهی با قوه قضاییه درمی‌افتد و زمانی هم با قوه مقننه. گاهی وزیران را به نادانی متهم می‌کند و زمانی هم به معاونان خود و ریاست اجرایی شک می‌ورزد. این شک‌ورزی از آن نوع شک‌ورزی‌های دکارتی و روش‌مندانه نیست. این نوع شک‌ورزی به دلیل خودبزرگ‌بینی و افراط‌گرایی در فهم خود از مسایل به‌وجود می‌آید.

این جمله را یک بار دیگر مرور کنید، آن‌گاه درک می‌کنید که چرا لحن این نوشته مقداری تند و تیز شده است. آقای غنی می‌گوید: «روزی که دادگاه عالی فیصله‌ام را غیرقانونی اعلام کند، جشن می‌گیرم». این سخنان به چه معناست؟ آیا این سخنان معنایی غیر از این دارد که حتماً دادگاه عالی توان قضاوت در مورد فیصله‌های او را ندارد؟

آقای غنی حالا با این سخنان به مصاف قوه مقننه رفته و می‌خواهد وضعیت آن را در پرتو درایت و قانون‌دانی خود مشخص کند. آقای غنی می‌پندارد، آن‌چه را که در مورد آینده مجلس روی دست گرفته، به هیچ صورت نمی‌توان نقض کرد و یا فراقانونی پنداشت. در حالی که آن‌چه را آقای غنی در مورد ادامه کار مجلس تا به حال انجام داده، هیچ کدام در سایه قانون قرار ندارند. به همین دلیل، می‌بینیم که موضع‌گیری‌های اعضای مجلس و رییس آن، به‌مراتب قانونی‌تر و حقوقی‌تر از سخنان و عمل‌کردهای رییس جمهوری می‌نمایند.

فعلاً مجلس توانسته توپ را به میدان ارگ بیندازد، اما دیده شود که پاسخ این بار رییس جمهوری به خواست‌های اعضای مجلس چه خواهد بود؛ آیا مجبور خواهد شد در برابر خواست‌های اعضای مجلس تمکین کند و یا این‌که زمینه‌ی دیگری برای ایجاد یک بحران تازه در کشور به‌وجود می‌آورد؟

در این مورد نمی‌توان به قاطعیت حکم کرد؛ زیرا به نظر می‌رسد ادعای آقای غنی بیشتر از این‌که یک ادعای قابل اثبات باشد، نوعی مصاف دادن احساسی به منتقدان و معاندان او باشد. آقای غنی در ۹ ماه گذشته آن‌قدر خطا و اشتباه قانونی و حقوقی مرتکب شده که حتماً می‌توان گفت دیگر به تعداد آن‌ها نباید توجه کرد. آقای غنی در زمانی که مجلس نماینده‌گان فیصله کرد که به نام‌زدوزیران دارای دو تابعیت رای نخواهد داد، افرادی را به مجلس معرفی کرد که

آقای غنی بیشتر از این‌که با حقوق و قوانین آشنا باشد، اهل خودبزرگ‌بینی و گرافه‌گویی است. آقای غنی به دلیل این‌که بخشی از مأموریت خود را در نهادهای بین‌المللی سپری کرده، دیگران را از خود در جایگاه پایین‌تری می‌بیند و به همین دلیل، به آن‌ها اهانت و بی‌احترامی می‌کند. او در زمانی هم که در وزارت مالیه کار می‌کرد نیز با زیردستان خود رویه خوب نداشت. همین روحیه و رویه سبب شده است که آقای غنی به‌صورت پیوسته خود را با نهادها و افراد رو در رو سازد. او گاهی با قوه قضاییه درمی‌افتد و زمانی هم با قوه مقننه. گاهی وزیران را به نادانی متهم می‌کند و زمانی هم به معاونان خود و ریاست اجرایی شک می‌ورزد. این شک‌ورزی از آن نوع شک‌ورزی‌های دکارتی و روش‌مندانه نیست. این نوع شک‌ورزی به دلیل خودبزرگ‌بینی و افراط‌گرایی در فهم خود از مسایل به‌وجود می‌آید.

اکثراً دارای تابعیت‌های دوگانه و حتماً چندگانه بودند. آیا این نقض قانون نباید پنداشته شود؟ آقای غنی در مورد ادامه و یا عدم ادامه کار قوه مقننه به نظرسنجی عمومی مراجعه کرده، آیا همین مورد نقض آشکار قوانین کشور نیست؟ اگر افرادی بدون توجه و یا فهم دقیق قوانین، حکمی صادر کنند که در آن قوانین کشور نقض شود، آیا آن‌وقت آقای غنی خود را ناگزیر به اجرای آن خواهد ساخت؟ آقای غنی بیشتر از این‌که با حقوق و قوانین آشنا

این روزها مجلس نماینده‌گان عملاً به مصاف رییس‌جمهوری رفته است. در اجلاس روز چهارشنبه هفته گذشته، رییس مجلس نماینده‌گان در پاسخ به این پرسش برخی اعضا که چرا در مورد ادامه کار مجلس با رییس‌جمهوری صحبت نمی‌شود، به‌صورت کم‌سابقه‌ی موضع انتقادی گرفت و گفت «دولتی که بر اساس تفاهم سیاسی به‌وجود آمده و مشروعیت قانونی ندارد، می‌خواهد پارلمان را نیز فاقد مشروعیت سازد».

این سخنان می‌تواند به معنای آغاز رویارویی مستقیم مجلس با رییس‌جمهوری کشور تلقی شود؛ رویارویی‌یی که پیش از این به‌صورت کنایه و گلایه آغاز شده بود و تلاش صورت می‌گرفت که به‌نحوی برای آن راه‌حل قانونی پیدا شود. اما قراین نشان می‌دهند که رییس‌جمهوری به اجماع سیاسی در این خصوص باور دارد و به همین دلیل، رای‌زنی‌ها و دیدارها با اقشار مختلف را آغاز کرده است.

رییس‌جمهوری نه تنها در این مورد با نهادها و شخصیت‌های سیاسی مشوره می‌کند، بل این موضوع را به نظرخواهی عمومی نیز گذاشته و از تمام شهروندان کشور خواسته که در مورد ادامه کار پارلمان ابراز نظر کنند؛ موضوعی که به‌شدت احساسات اعضای مجلس را برانگیخته و آن را اهانت آشکار به ساحت قانون‌گذاری خود پنداشته‌اند. به باور این تعداد از اعضای مجلس، نظرخواهی در این مورد، به معنای توهین به مردم افغانستان و صلاحیت نماینده‌گان‌شان است.

در همین حال، فراموش نکنیم که آقای غنی با توجه به صلاحیت‌ها و فهم حقوقی خود از قوانین، ادعا کرده است که روزی اگر دادگاه عالی فیصله‌هایش را غیرقانونی بداند، آن روز جشن خواهد گرفت. این سخنان هرچند به‌صورت مستقیم به مجلس خطاب نشده، ولی می‌تواند به شکلی اعضای مجلس را نیز در بر گیرد. آقای غنی می‌خواهد با این سخنان، به اعضای مجلس و دیگر نهادهای حقیقی و حقوقی کشور بفهماند که در فهم او از قوانین و مسایل حقوقی نباید شک صورت گیرد. اما آیا واقعا تمام فیصله‌ها و دستورهای آقای غنی قانونی بوده‌اند و او هیچ خط و اشتباهی را در مدت بیشتر از ۹ ماه انجام نداده است؟!

فعالان رسانه‌یی در نشست‌ی در کابل تأکید کردند:

عدم دسترسی به اطلاعات بازار شایعه را گرم کرده است

مجیدی

دولت با ندادن اطلاعات به رسانه‌ها و خبرنگاران، بازار شایعه را در کشور گرم کرده است.

شماری از فعالان رسانه‌یی و مسوولان نهادهای خبرنگاری با بیان این مطلب می‌گویند که شایعه بیشتر در جوامعی گسترده‌گی می‌داشته باشد که معلومات درست به دسترس خبرنگاران قرار داده نمی‌شود.

دفتر میدیوتیک افغانستان، نشست رسانه‌یی را زیر عنوان «رسانه و شایعه‌گستری در فضای روانی - اجتماعی افغانستان» در کابل برگزار کرد.

در این نشست، شماری از خبرنگاران رسانه‌های فعال در کابل و فعالین مدنی اشتراک کرده بودند. عبدالصیر تحسین، هم‌آهنگ‌کننده مرکز نشراتی افغانستان امروز که گراندگی نشست را نیز به عهده داشت گفت: «افغانستان در شرایط کنونی با حوادث بزرگ سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند که در این‌گونه اوضاع در گردش اطلاعات، جایگاه و حضور شایعه نیز برجسته خواهد بود.»

به باور آقای تحسین، در یک چنین شرایطی، رسانه‌ها عمداً و یا سهواً دست به شایعه‌پرانی می‌زنند.

صدیق‌الله، توحیدی مسوول دیدبان رسانه‌های آزاد یا نی، روی شایعه، بسترها و زمینه‌های پردازش و پذیرش آن صحبت کرد و گفت: اگر مقامات حکومتی افغانستان حاضر به ارایه معلومات به خبرنگاران نشوند، این مسأله به خودی خود باعث گرم شدن بازار شایعه در کشور خواهد شد.

به گفته آقای توحیدی، تعدد رسانه‌ها و رقابت در اطلاع‌رسانی سریع، احتمال پخش شایعات را بسیار زیاد می‌سازد.

مسوول نی، از تمام خبرنگاران و رسانه‌های کشور خواست که نباید رویدادهای انتحاری و امنیتی را به شکل گسترده و وسیع آن پخش کنند.

به باور آقای توحیدی، این کار سبب تضعیف

پنتاگون:

داعش گام‌های ابتدایی حیات خود را در افغانستان برمی‌دارد



پنتاگون مدعی شده که داعش به شدت تلاش می‌کند تا راه‌های گسترش نفوذ خود در افغانستان را هموار کرده و از ترندهای خاصی برای سربازگیری در این کشور استفاده می‌کند.

وزارت دفاع امریکا در تازه‌ترین گزارشی که به کانگرس این کشور ارایه کرده، تأکید کرده است که این گروه فعلاً حیات ابتدایی خود را در افغانستان در حال سپری کردن است و تلاش بی‌شایه‌یی را خرج می‌کند تا حضور و گسترش تفکر خود را در افغانستان تثبیت کند.

بر اساس این گزارش، فعالیت این گروه در افغانستان فعلاً در مرحله ابتدایی و کم‌اهمیت خود قرار دارد؛ اما گذر زمان، نشان خواهد داد که داعش دامنه نفوذ خود را گسترش داده و در راستای جذب سایر گروه‌های تروریستی مثل طالبان، اقدام کند.

گفته می‌شود که داعش در شرایط کنونی از تقابل با طالبان و شبکه حقانی امتناع می‌ورزد؛ اما با این حال، هنوز هم تصمیم محکمی برای ایتلاف با این گروه‌های تروریستی در افغانستان و پاکستان ندارد.

پنتاگون همچنین به قدرت روزافزون طالبان اشاره کرده و گروه حقانی را که از پشتیبانی بالقوه القاعده در وزیرستان و جنوب و شرق افغانستان بهره مند است؛ بزرگترین خطر عینی بیان می‌کند.

در این گزارش؛ تمرکز ویژه ای روی گروه حقانی شده که خصوصاً ظرف سال ۲۰۱۴ این گروه نه تنها در انجام حملات تروریستی زیرکانه و حساب شده دست داشته؛ بلکه حملات تهاجمی گسترده و قابل توجهی را نیز در ولایات پکتیکا، پکتیا، خوست، غزنی، هلمند، فراه و هرات داشته که برای مدتی نه چندان کوتاه، مرکز مهم سیاسی دولت را نیز به تصرف خود در آورده است.

آنها هدف خاصی را در این میان دنبال می‌کنند که احیای دوباره دولت طالبان - آنچه در نیمه دوم دهه هفتاد خورشیدی شاهد بودیم - هستند و برای این هدف، گروه‌های همفکر دیگری را دارند که در کنارشان می‌جنگند.

داعش از دو سال پیش به این سو، به نوعی حضور خود را در افغانستان تبارز داده و طی چند حرکت تروریستی در نقاط مختلف کشور، بر موجودیت خود تأکید کرده است.

این گروه تاکنون با طالبان نیز درگیری‌های خونینی را تجربه کرده؛ از جمله جنگ شدید میان داعش و طالبان در فراه، که منجر به مرگ ۱۶۵ تن از دو طرف گردید و فراه از لوٹ داعش پاک شد.

به هر روی؛ ملا منصور رهبر نظامی طالبان که گفته می‌شود در کویت به سر می‌برد؛ طی یک نامه به ابوبکر بغدادی گفته است که طالبان در افغانستان، داعیان «برحق» احیای نظام اسلامی هستند و بنیاد آنان نیز از سوی علمای اسلامی تأیید شده و آنها {داعش} نباید تلاش کنند که دولتی موازی در افغانستان تشکیل دهند.

گرچه در ابتدای راه، چند تن از سران طالبان بودند که به داعش پیوسته و به زودی از سرکردگان آن شدند؛ اما با این هم، در میان این گروه، تعداد چشمگیری از خارجی‌ها، از جمله ترکمان‌ها، ازبیک، چچنی، اعراب از کشورهای مختلف و به خصوص تاجیک‌ها هستند که حتا با خانواده‌های خویش وارد افغانستان شده‌اند.

تاکنون روشن نیست که سرپرستی و اكمال این گروه‌ها را چه بنیادی به عهده دارد؛ اما بعید به نظر می‌رسد که هسته اصلی داعش که در عراق، دارای یک حکومت محلی است؛ چنین ابتکاری را با توجه به هجمه‌هایی که در حال تحمل است؛ کرده باشد.

امریکا در حالی از گسترش نفوذ داعش در افغانستان ابراز نگرانی می‌کند که بسیاری از کارشناسان امور و حتا دولت‌مداران سابق افغانستان، به صورت مستقیم از پروژه ای خواندن داعش یاد می‌کنند و تأکید می‌ورزند که مدیریت بحران افغانستان در دستان امریکاست و داعش، قرار است بدیلی به جای طالبان باشد و این بدون هیچ شبهه ای از سوی ایالات متحده و سایر موثلفینش حمایت می‌شود.



بانو ایوبی در ادامه سخنانش خطاب به خبرنگاران گفت: «محدودیت‌ها نباید باعث پخش شایعه گردد. ما مسوولیت داریم در صورت عدم دسترسی به حقایق، نباید مروج دروغ، شایعه و اخبار سرچوک شویم.»

او از تمام رسانه‌ها و خبرنگاران کشور خواست که باید به ارزش‌هایی که زیست باهمی را در یک جامعه تقویت می‌کند، پایبند باشند.

در بخش دیگر این نشست، سخنرانان تأکید کردند که شایعه‌پرانی از طریق رسانه‌های اجتماعی درحال گسترش است.

آنان گفتند که با باز نمودن صفحات اجتماعی هر کاربر در معرض ده‌ها شایعه قرار می‌گیرد. ولی کار رسانه‌یی زمانی خطرناک می‌شود که از آن به عنوان منبع خبر بدون داشتن کلام سند استفاده شود.

این نشست با انجام پرسش و پاسخ به پایان رسید.

روحیه مردم شده و برعکس طرف مقابل قوت بیشتر پیدا می‌کند. در این میان، رسانه‌ها باید در پوشش اخبار و رویدادها وضعیت روانی مردم و معیارهای مسلکی را جدا در نظر بگیرند.»

در این حال، نجیبه ایوبی مسوول کلید گروپ ضمن بحث پیرامون پرداخت‌های غیر مسلکی و غیرآگاهانه رسانه‌ها گفت که با وجود محدودیت‌هایی که فعلاً در برابر خبرنگاران به خاطر اطلاع‌رسانی کم‌عیب و حقیقی وجود دارد، اما اهالی رسانه مسوولیت‌های خاص اجتماعی و مسلکی دارند تا در نهایت احتیاط با رُخ‌دادها برخورد داشته باشند.

بانو ایوبی گفت: «در همه جا برای آزادی خط‌های سرخی وجود دارد که رعایت اخلاق از وجایب رسانه‌هاست و رسانه‌ها در کنار پاسخ‌گو بودن برای مخاطبان باید به اخلاق اجتماعی و معیارهای پذیرفته شده ژورنالیسم نیز پایبند باشند.»

خانواده فرخنده:

خانه برای ما به جهنم تبدیل شده است

پدر فرخنده: خواب نداریم، خورد و خوراک نداریم، گریه می‌کنیم. هر بار که سر غذا یاد ما می‌آید که فرخنده این غذا را خوش داشت، نمی‌توانیم لقمه برداریم، بلکه گریه می‌کنیم

انترنی در گردش بودند و در داخل و خارج از افغانستان خشم مردم را برانگیختند. تظاهرکنندگانی که خواستار تامین عدالت بودند نقاب‌های حاوی صورت خون آلود فرخنده را پوشیده و فریاد دادخواهی سر می‌دادند.

اما حالا چند ماه بعد از آن حادثه، والدین کهن سال، دو برادر و شماری از هفت خواهر و زنان برادر فرخنده شاکی اند که مورد غفلت کسانی قرار گرفته اند که تلاش کردند تا زیر نام آن‌ها منافع خود را به پیش ببرند.

اعضای خانواده فرخنده از ترس خشونت، آدم ربایی و یا انتقام پولیس و متهمانی که آزاد شده اند، به ندرت خانه خود را ترک می‌کنند. کلان سالان سر کار نمی‌روند و کودکان و جوانان نیز جرئت نمی‌کنند به مکتب و دانشگاه بروند. نجیب الله، برادر ۳۷ ساله فرخنده می‌گوید: «وقتی این کودکان به مکتب رفته نمی‌توانند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا همه آن‌ها بی‌سواد بار می‌آیند؟»

بی بی هاجر، مادر فرخنده احساس می‌کند که زندگی‌ها همواره در خطر است: «ما خواستار عدالت و انتقال به یک جای امن هستیم. من قدرت و پول ندارم تا برای دخترم مبارزه کنم.»

اعضای خانواده فرخنده بعد از حادثه قتل او با رولا غنی، بانوی اول افغانستان دیدار کردند. بانوی اول قتل فرخنده را «یک تراژیدی مخوف و وحشیانه» عنوان کرده بود که نشان می‌دهد جامعه افغانستان بعد از چند دهه جنگ چه اندازه خشن شده است.

از میان متهمان دوسیه فرخنده، چهار تن مجرم شناخته شده و به اعدام محکوم شدند. اتهام‌ها علیه ۱۸ مرد به دلیل نبود شواهد برداشته شد و هشت تن دیگر هر یک به ۱۶ سال زندان محکوم شدند. از ۱۶ مامور پولیس که به اغفال وظیفوی متهم شده بودند، هشت تن به دلیل نبود شواهد کافی تبرئه شده و ۱۱ تن دیگر هر یکی به یک سال حبس محکوم شدند. در ماه جاری محکمه استیناف دستور آزاد ۳۷ تن از متهمان را پیش از استیناف خواهی آن‌ها صادر کرد.

پدر فرخنده می‌گوید: «این تصمیم‌ها کاملاً غیرقابل قبول اند. همه کسانی که شاهد قتل وحشیانه این دختر بیگناه بودند، آنجا ایستاده بودند و هیچ کاری نکردند، همه آن‌ها نیز مجرم اند. همه این مردم آزاد شده اند و کسانی که واضحاً در این حادثه دخیل بودند دستگیر نشده‌اند.»

چند ماه گذشته است، اما درد و رنج فامیل ملک زاده هنوز تازه است. پدر خانواده می‌گوید: «خواب نداریم، خورد و خوراک نداریم، گریه می‌کنیم. هر بار که سر غذا یاد ما می‌آید که فرخنده این غذا را خوش داشت، نمی‌توانیم لقمه برداریم، بلکه گریه می‌کنیم.»



خانواده فرخنده، دختر جوانی که توسط جمعیت خشمگین به اتهام بی‌اساس سوختاندن قرآن در کابل به قتل رسیده بود، می‌گویند که منزوی شده و احساس ترس دارند. این خانواده انتظار عدالتی را می‌کشند که معتقدند هیچ وقتی تامین نخواهد شد.

محمد نادر ملک زاده، پدر ۷۲ ساله فرخنده می‌گوید که بعد از قتل او به تاریخ نوزدهم ماه مارچ، زندگی خانواده با بن بست مواجه شده است. او به اسوشیتدپرس گفت: «ما نمی‌توانیم یک زندگی عادی داشته باشیم. فرزندان ما نمی‌توانند به مکتب و دانشگاه بروند. ما حتی نمی‌توانیم برای خرید به بازار برویم. ما زیر فشار زیاد روانی قرار داریم. خانه برای ما به جهنم تبدیل شده است.»

به گزارش اسوشیتدپرس، نومیادی خانواده فرخنده در ماه جاری زمانی چند برابر شد که ۳۷ تن از ۴۹ فرد متهم به دست داشتن در قتل فرخنده توسط محکمه آزاد شدند.

در ماه مارچ در پیش روی زیارت شاه دوشمشیره در کابل آوازه شد که دختری قرآن را سوختانده است. سپس ده‌ها مرد با لگد و سنگ و چوب به جان فرخنده افتادند و ماموران پولیس نیز نظاره گر آن‌ها بودند. بعد از آن جمعیت خشمگین موتوری را از روی جسم نیمه جان فرخنده گذشتانند و بعد جسدش را به دریای بی‌آب کابل انداخته آتش زدند.

تصاویر ویدیویی این حادثه که توسط کمره‌های موبایل گرفته شده بودند، در شبکه‌های

پایان بازی



فہیم دوستانی

بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد.

این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای آمار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود. قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها از این شونده؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

این را قبلاً اشاره کردیم که تأمین ثبات افغانستان و خشکاندن ریشه افراط‌گرایی و تروریسم، یکی از این کلان‌طرح‌هاست و توسعه ظرفیت‌های ترانزیتی، یکی دیگر از آن‌ها؛ ولی برای رسیدن به این اهداف نیاز است دولت‌داری در افغانستان، تغییر ماهیت بزرگی به خود ببیند.

نفس تشکیل دولتی به نام دولت وحدت ملی که به نحوی نماینده‌گی از همه اقوام افغانستان می‌کند و از سوی، مانع این می‌شود که در صورت بروز اختلاف، به شیوه‌یی که دولت حامد کرزی در برابر امریکا موضع گرفت، مشکل آفرین تمام شود، بخشی از این موارد تحمیلی بر افغانستان است.

حالا این دولت باید با فساد مبارزه جدی و گسترده کند. واضح است که قدرت‌های بزرگ جهان، بلیون‌ها دلار پول‌شان را نمی‌آورند در کشوری سرمایه‌گذاری کنند که فساد، ادارات آن را تا گلو در خود فرو برده و هیچ کاری، حتا قانونی‌ترین کار، بدون پرداخت رشوه یا واسطه انجام شدنی نباشد.

تغییر و اصلاح قوانین افغانستان - به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجارتی - و مطابقت آن با معیارهای جهانی، بخش دیگری از این ماجراست. یکی از مثال‌ها در این بخش، طرح قانون "حق نسخه‌برداری/ کاپی رایت" است که با وجود نگرانی‌هایی که اصناف مختلف پدیدآورنده‌گان آثار هنری، ادبی و علمی دارند، قرار است فقط با معیارهایی که سازمان تجارت جهانی بر وزارت تجارت افغانستان تحمیل کرده است، ترتیب شود.

تقویت نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان - در کوتاه‌مدت برای مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی - و فشار آوردن بر این نیروها در حدی که بتوانند مانع فعالیت گروه‌های جرایم سازمان‌یافته قاچاقچیان باشند هم از همین برنامه‌هاست. دلیل این توجه، برداشتن بار این جنگ از دوش نیروهای خارجی است که برای کشورهای متبوع‌شان جداً هزینه‌بردار است، چه از لحاظ اقتصادی، یا منابع انسانی و بالاخره فشارهای سیاسی اذعان عامه آن کشورها.

تلاش برای ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی هم از این

برنامه‌ها بیرون نیست.

موارد دیگری را هم می‌توان بر این فهرست افزود؛ ولی از این‌ها فقط به عنوان نمونه‌ها یاد شد.

این‌ها قابل یاد آوری است که بخشی از آنچه برای آماده شدن افغانستان برای مأموریت جدیدش، از سوی دنیا بر آن تحمیل خواهد شد، به سود افغانستان است؛ ولی از آن‌جا که در درون افغانستان آماده‌گی لازم برای انجام آن وجود ندارد، ناگزیر از سوی کشورهایی که منافع‌شان در آینده افغانستان شریک خواهد بود، بر این کشور تحمیل خواهد شد.

II مأموریت ما

در تاریخ چندصدساله کشوری به نام افغانستان و در تاریخ چندهزارساله‌ای که برای این سرزمین ادعا داریم، فرصتی به بزرگی آن‌چه در راه است، نداشته‌ایم. این فرصت به اندازه‌ی بزرگ است که هر شهروند این کشور، تا جایی که توانایی و ظرفیت داشته باشد، می‌تواند سهم خویش را برآورد و نیازی بر این‌که بخواهیم با پایمال کردن حق دیگران، برای خود سرمایه و رفاه دست‌وپا کنیم وجود نخواهد داشت. هرچند بخشی از خاصیت انسانی این است که قناعت نمی‌کند و هرچه به دست آورد، بیشترش را آرزو می‌کند، به‌ویژه در کشوری که ساکنانش قرن‌ها محرومیت را از سر گذشتانده و از بیم این که نکند بار دیگر با وضعیتی مواجه شوند که به جز سرمایه‌شان هیچ چیزی نتواند آنان را از مرگ نجات دهد (در سه چهار دهه اخیر این تجربه را داشته‌ایم که پولدارترها در بدترین شرایط توانسته‌اند خود را به ساحل نجات برسانند و فقیرها مجبور بوده‌اند هر چه بر سرشان آمد تحمل کنند و زیر بار مشکلات جان بدهند، همه تلاش دارند تا می‌توانند از طرق مشروع و غیرمشروع برای خود سرمایه جمع کنند.

اما در سال‌های آینده که برنامه‌هایی برای قانون‌مداری در ابعاد مختلف زنده‌گی مردم افغانستان طرح و اجرا می‌شود، هر کسی به اندازه توانایی‌هایش، از فرصت‌های به دست آمده سهم خواهد برد. بنابراین، اگر می‌خواهیم سهم‌مان بیشتر باشد، باید خود را آماده‌تر بسازیم و از علوم و فنون مدرن و معاصر به اندازه‌ی برخوردار باشیم که بتوانیم به جایگاهی که آرزو داریم، برسیم.

III مأموریت دولت

دولت‌ها ی

مدرن، مکلفیت‌های خاص خود را چه در برابر شهروندان خود و چه در روابط‌شان با کشورهای دیگر جهان دارند و دولت وحدت ملی افغانستان نیز از این این قاعده مستثنا نیست.

ولی با توجه به ترکیب این دولت و این‌که در یک مقطع بسیار حساس تاریخی، زمام امور افغانستان را برعهده دارد، مکلفیت‌های بیشتری متوجه این دولت است.

یکی از عمده‌ترین مأموریت‌های این دولت، همان‌گونه که برایش نام داده شده، تأمین «وحدت ملی» است تا افغانستانی‌ها بتوانند در همفکری و هماهنگی، از فرصتی که برای خودشان و سرزمین‌شان ایجاد می‌شود، بیشترین استفاده را ببرند و اختلافات قومی و زبانی سبب نشود که همچنان گروه‌هایی از این مردم در دام کشورهای دیگر گیر بمانند و خود را محتاج به حمایت آن کشورها فکر کنند و بالاخره مجبور شوند منافعی را که از فرصت جدید می‌توانند برای کشور خودشان به دست آورند، برای رضای خاطر کشورهای دیگر فدا سازند.

یکی دیگر از مأموریت‌های بسیار حیاتی و مشکل دولت وحدت ملی، تأمین منابع بشری کافی برای زمانی‌ست که نیاز به نیروی متخصص در کشور به‌مراتب بیشتر از حالا خواهد بود. جنگ‌های نیم قرن اخیر، یک نسل از افغانستانی‌ها را به‌طور کامل از فرصت‌های آموزشی محروم کرده و بخش‌هایی از دو نسل دیگر (نسل پیر و نسل جوان) را نیز از این منظر صدمه زده است. همین حالا حتا برای تأمین منابع بشری حرفه‌یی در ساده‌ترین حرفه‌ها، ما نیاز به کارگران خارجی داریم. نل‌دوان، نجار، برقی، فلزکار و... اکثراً پاکستانی و بخشی هم ایرانی استند و ما اگر نیروی بشری در این زمینه‌ها هم داریم، ظرفیت‌های حرفه‌یی‌شان قابل مقایسه با هم‌تایان پاکستانی و ایرانی‌شان نیست. از همین حرفه‌ها گرفته تا متخصصین جاده‌سازی، معادن، تولید انرژی، هوانوردی و ده‌ها و صدها حرفه دیگر، ما با کمبود شدید منابع بشری روبه‌رو هستیم.

در یک‌دویم دهه گذشته، زمینه‌هایی فراهم آمد و شماری از افغانستانی‌ها به آموزش‌های عالی و حرفه‌یی در کشورهای منطقه و جهان، دست یافتند؛ اما این تعداد کافی نیست. در ده سال آینده، یکی از عمده‌ترین برنامه‌های دولت وحدت ملی، باید تربیه نیروهای حرفه‌یی متخصص باشد، تا زمانی

که فرصت توسعه افغانستان فراهم می‌شود - و این توسعه باید سریع و در ابعاد بسیار گسترده انجام شود - دیگر وابسته به متخصصین و کارگران حرفه‌یی خارجی نباشیم. این‌هم واضح است که از استفاده از نیروی بشری متخصص خارجی کاملاً بی‌نیاز نخواهیم شد؛ ولی اگر بخش عمده این نیرو را خودمان آماده بسازیم، از یک‌سو فشار کمتری بر اقتصاد کشور وارد می‌شود و از سوی هم حس تعهد به سرزمین و مالکیت این نیرو سبب خواهد شد که طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، با کیفیت بهتری انجام شوند.

خشکانیدن ریشه گروه‌های جنایت‌پیشه سازمان‌یافته و افراد و گروه‌هایی که با استفاده از نفوذ مالی، قومی، محلی و... شان زنده‌گی مردم را به گروگان گرفته و در کوچک‌ترین موارد زنده‌گی مردم (مثلاً ازدواج یک جفت) تا بزرگ‌ترین ابعاد آن (مثلاً تعیین سرنوشت از طریق استفاده از حق رای) دخالت دارند و خود را مالکان زنده‌گی مردم می‌دانند، از مأموریت‌های دیگر دولت وحدت ملی است که با توجه به تعدد این گروه‌ها، ریشه‌های اجتماعی‌شان و وجود وافر اسلحه غیرقانونی، یک مأموریت مشکل، پُرچالش و زمان‌بر خواهد بود.

مردم سرزمینی به نام افغانستان، پس از قرن‌ها نابسامانی، با یک فرصت بسیار بزرگ روبه‌رو شده‌اند؛ فرصتی که از دل نیازهای قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی به طرح و اجرای برنامه‌های استراتژیک درازمدت متولد شده تا منافع آن‌ها همچنان حفظ گردد.

حتا اگر تصور کنیم که آن‌چه از آغاز تا پایان این نوشته آمد، با واقعیت‌های موجود سر نمی‌خورد - که در حقیقت چنین نیست و گذشت زمان درستی آن را به اثبات خواهد رساند - دست‌کم با در نظر داشت نکات مثبتی که در دایره‌های داخلی، همسایه‌گان، منطقه و جهان به تحلیل گرفته شد، این نوشته می‌تواند نسخه‌ای - یا دست‌کم طرح اولیه یک نسخه - برای طی مسیری باشد که در پایان می‌تواند به تأمین منافع همه در این منطقه از جهان (افغانستان) بینجامد.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه ائیب
کابل، ۱۴ ثور ۱۳۹۴ هجری خورشیدی



عبدالحفیظ منصور

بخش چهارم و پایانی

دیدگاه دوم



مبدع و مبتکر این نظریه، سیمون دوبووار است. او در کتاب دوران‌ساز «جنس دوم» بر این اصل تأکید می‌ورزد که «زن متولد نمی‌شود، ساخته می‌شود». از نظر دوبووار، تفاوت‌های موجود میان دو جنس مرد و زن یک امر تاریخی و اجتماعی است که به مرور زمان شکل گرفته‌اند. به سخن دیگر، زن در طول اعصار و قرون بر اساس تسلط فرهنگ پدرسالارانه، به چنین وضعیتی درآمده است. سیمون دوبووار به عنوان یک روان‌شناس، جامعه‌شناس و منتقد اجتماعی می‌پذیرد که فیزیولوژی زن و مرد از هم متفاوت است و از این تفاوت‌ها با تفصیل یاد می‌دارد، اما بر این نکته تأکید می‌ورزد که وضعیت حاکم بر زنده‌گی زن و مرد به مرور زمان شکل گرفته است؛ وقتی زن از کودکی از تحصیل محروم می‌ماند، به او تلقین می‌گردد که در منزل پدری پایین‌تر از پسران خانواده جا بگیرد و همیشه در پناه مادرش قرار داشته باشد. کودک به دلیل این‌که دختر است، از بازی‌های خاص محروم ساخته می‌شود و حضور او در اجتماع ناجایز خوانده می‌شود، پوشش خاصی به او تجویز می‌گردد، به او پیوسته گوش‌زد می‌شود که دختر است، باید کمتر در مجالس ظاهر گردد، در برابر مردان حرف نزنند و کاری به کشاورزی، شکار، تجارت و سیاست نداشته باشد، عقلش به کارهای خاصی نمی‌رسد، وظیفه او بچه زایدن و تر و خشک کردن کودک است. به او یاد داده می‌شود که زن خوب حرف‌شنو بوده و باید در برابر خواسته‌های مرد تسلیم بوده باشد و خواسته‌ی از خود نداشته باشد، هرچه مردان روا داشتند بی‌چون و چرا بپذیرد. چنین مقرراتی بدون تردید، هم در شکل‌دهی روان زن و هم در صورت‌بندی عضلات آن نقش ایفا می‌دارد، و خلاف آن را هم می‌توان در مورد پسران در نظر گرفت.

بر پایه این نظریه، محرومیت تاریخی زنان، استعداد و توان ایشان را در امور اجتماعی و سیاسی لطمه زده و در شکل‌دهی فیزیکی‌شان نقش ایفا کرده است. وقتی زن از حضور در اجتماع بی‌نصیب است، توقع این‌که به‌سان مردان در امور سیاسی از خود استعداد و لیاقت تبارز دهد، غیرمنصفانه است و درست به آن می‌ماند که از کسی که جوی آب را ندیده باشد، انتظار آن رود که مانند یک شناگر ماهر، در دریا به شنا بپردازد. معنی این سخن آن نیست که بچه آوردن به مرور زبان به زنان تعلق یافته است، بلکه مقصد این است که اختصاص بسیاری از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به مردان و محروم داشتن زنان از آن نه تنها که امر طبیعی نیست، خلاف طبیعت انسانی نیز می‌باشد. افزون بر آن، اختصاص کار خانه به زنان و سپردن امور کودک به زنان که در نتیجه محرومیت آن‌ها را از امور عمومی بار می‌آورد، زاده تسلط فرهنگ پدرسالارانه است. سال‌های قبل، از یکی از قبایل سرخ‌پوست امریکا دیدن کردم. در آن قبیله زن‌سالاری حکم‌فرما بود؛ بدین شرح که صلاحیت و صلاحیتی را که مردان در مشرق‌زمین دارند، زنان در آن قبیله دارا بودند. مردان خانواده به‌سان زنان خانواده‌های افغانستان محتاط، کمرو و چشم به دستور همسر خود بودند، برای حل‌وفصل معضلات قبیله مذکور زنان مسن گرد هم می‌آمدند و مردان را زیر نام کم‌عقل بدان چرگه راه نمی‌دادند. اعضای این قبیله مدعی بودند که رای دادن به شیوه هر فرد یک رای، از ابتکارات سرخ‌پوستان است. مردان این قبیله برخلاف سایر مناطق جهان برای کسب حق حضور در مسایل عمومی مبارزه می‌کردند و باید برای اثبات توانایی‌شان به دلایلی متمسک می‌شدند که زنان در سایر بلاد عالم بدان دست می‌یازند. نمونه دیگر ولایت نورستان است که در آن ولایت زنان به امور کشاورزی می‌پردازند؛ زمین شخم می‌زنند، درو و خرمن می‌دارند، غله به آسیاب می‌برند، از کوه هیزم می‌آورند و با پشت به زمین‌هایشان کود حیوانی انتقال می‌دهند، چنین روشی خلاف سنت حاکم بر سایر نقاط افغانستان می‌باشد. اما آنچه در تقسیم وظایف میان زن و مرد در نورستان خدشه ندیده، تولد کودک است که به‌سان همه جاها و همه عصرها از استعدادهای ویژه زنان می‌باشد. این نمونه‌ها بیانگر این حقیقت‌اند که از یک‌سو برتری‌جویی‌های مردان در همه‌جا حاکم نمی‌باشد، در برخی از جوامع عکس آن هم دیده می‌شود و از جانب دیگر، ادعاهایی که علیه زنان صورت می‌گیرد، خلاف آن هم می‌تواند وجود داشته باشد.

پیروان نظریه دوم، دستاوردهای عملی زنان را در سالیان پسین به رخ همه‌گان می‌کشند. در پاره‌یی از کشورها وقتی بستر اجتماعی برای زنان مساعد گردیده و زنان مجال تبارز استعدادهای‌شان را یافته‌اند، فمینیست‌ها می‌پرسند: زنان در کدام عرصه نسبت به مردان کم دارند؟ مگر زنان، سیاست‌مداران و مدیران لایقی نیستند؟



زن؛ نیمه قربانی جستاری درباره حقوق زنان

توسعه فرهنگی و آموزشی جوامع مختلف، رشد اقتصادی و تحول نظام خانواده‌گی، بسیاری از پیش‌بینی‌های هواداران نظریه تفاوت طبیعی را به نفع نظریه دوم دگرگون کرده است.

تبلیغات منفی در مورد زنان که گویا زنان نسبت به مردان کم‌هوش و کم‌لیاقت‌ترند، ذهن من را سال‌ها متأثر کرده بوده، اما تجربه حضور در شورای ملی افغانستان، خلاف آن تبلیغات را به اثبات رسانید؛ زیرا به وضوح دیدم که زنان عضو مجلس در فهم مسایل سیاسی و اجتماعی و نحوه بیان آن، نسبت به مردان استعداد کمتری ندارند. گاهی هم بهتر از مردان حق مطلب را ادا می‌دارند و به شایسته‌گی از مردم نماینده‌گی می‌کنند، که درست نظریه سیمون دوبووار را تأیید می‌دارد.

لُب کلام این‌که: نظریه دوم، تقسیم امور به مسایل شخصی و مسایل عمومی و دور نگه داشتن زنان از امور عمومی را نمی‌پذیرد؛ این نظریه از برابری حقوق و استعداد زن و مرد جانبداری می‌کند، که این برابری معنی مشابهت را در مسایل عمومی افاده می‌دارد.

حاصل بحث

یک. مسأله حقوق زن بنیادی‌ترین مسأله است، و رنج و غصه زن بسی طولانی و گسترده است. ادیان آسمانی برای نجات زن دستورهای کارسازی ارایه داشتند، ولی در ساحة عمل همه آن دستورها به کار نیفتاد و چه بسا که در مواردی آن دستورها وسیله‌یی برای محکومیت و محرومیت بیشتر زنان نیز گردید.

دو. در حال حاضر هر دو دیدگاه از پشتیبانی خیل هواداران‌شان برخوردارند، در میان هر دو صف از افراطی‌ترین تا معتدل‌ترین اشخاص دیده می‌شوند. جانبداران نظریه وجود اختلاف طبیعی میان زن و مرد،

گام برداشت.

چهار. در میان این دو طرز دید، راه سومی باقی می‌ماند و آن این‌که تفاوت‌های فیزیولوژی میان زن و مرد نباید به ساحات آموزشی، اقتصادی و سیاسی کشانیده شود و زیر این عنوان، دامی برای محروم‌سازی زن چیده شود. پیشنهاد این است که هر کسی می‌تواند این کار را از منزل خود و از مادر خود آغاز کند و آن جایگاهی را که به پدر خویش از رهگذر عقل، احساس و دل‌سوزی قابل است، به مادر خود نیز در نظر بگیرد، نیازهای مادی و معنوی او را درک کند، به پرسش‌های او پاسخ دهد، ذوق و احساس انسانی او را احترام گذارد، به مشورت‌های او به دیده قدر بنگرد، خواست و اراده او را به‌سان خواست پدر محترم بشمارد و در برآوردن آن تلاش ورزد.

مادر را از شی بودن باید نجات داد، اما زمانی این امر تحقق می‌پذیرد که مادر صحت داشته باشد، مجال تنفس در هوای آزاد را دارا باشد، زمینه نشست و گفت‌وگو را داشته باشد، بتواند شعایر دینی خود را آزادانه ادا نماید و در موارد لازم سیاسی تصمیم دلخواه خویش را اتخاذ بدارد. زمانی مادر از شی بودن بیرون می‌جهد که درآمد اقتصادی مستقل داشته باشد، دست‌ببین شوهر یا پسر خود نباشد، و زمانی می‌تواند آرزوی خویش را آزادانه تبارز بخشد که نان‌خور دیگران نباشد و برای امرار معیشت چشم به جیب مردان نداشته باشد.

پنج. پیامد پیشنهاد ما این است که هر کسی فقط جایگاه خواهر و دختر خود را که روزی مادر می‌شوند، بشناسد؛ به آموزش ایشان توجه لازم مبدول بدارد، در فکر سلامتی و تندرستی آن‌ها باشد، در برخورد با آن‌ها جانب عدالت و برابری را روا دارد و نگذارد از همان کودکی روش تبعیض‌آمیز، روح و روان آن‌ها را آسیب رساند و احساس کهنتری در درون آن‌ها پرورش یابد. هر کسی می‌تواند در محافل خانواده‌گی، مکان بالا و پایین را میان دختر و پسر از بین ببرد. چنین نباشد که جای بالا، جای مردان و جای پایین محل نشستن زنان باشد. در توزیع غذا حق اول و حق دوم را از بین ببرد، در تعلیم و تحصیل نیز همین‌طور. زن ماشین چوپه‌کشی نیست که فقط بچه به دنیا آورد، فرزند زیاد در کام نخست، سلامتی مادر را از میان می‌برد و در گام‌های بعدی، به اقتصاد و نظم خانواده صدمه می‌رساند.

شش. شکوه کسانی بر این است که زنان لباس‌های گران‌بها به بر می‌کنند و در هر مجلسی لباس تازه می‌خواهند، در به‌کارگیری وسایل آرایش ره افراط می‌پیمایند و در محافل با عشو و ناز رفتار می‌کنند. زیاد حرف می‌زنند و سروصدا راه می‌اندازند و از این دست نقدهای دیگر. اما اگر نیک نگریسته شود، در سامان‌دهی روح و روان زنان، مردان سهیم اند؛ زیرا وقتی همه عرصه‌ها برای زنان تنگ می‌گردد و جایی برای تبارز خود نمی‌یابند - نه زمینه تعلیم، نه میدان ورزش، نه صحنه کار، نه عرصه رقابت سیاسی و نه هم فعالیت اقتصادی - تنها جایی که برای تبارز آن‌ها باقی می‌ماند، محافل عروسی یا مراسم دعاخوانی است.

شریعتی در کتاب «زن؛ فاطمه فاطمه است» می‌گوید: وقتی همه درها به روی زن بسته می‌شود، یک در همیشه به روی او باز می‌ماند که «غیبت» است. کجا زمینه حضور زنان در جامعه مساعد گردید که زنان پُرحرفی کردند؟ کجا به رای و نظرات آن‌ها ارج نهاده شد که آن‌ها برای تبارز شخصیت‌شان به انواع آرایش متوسل شدند؟ چه وقت به زنان فرصت داده شد تا در سیاست و تجارت به رقابت بپردازند و از مردان کم آوردند؟

منابع

۱. انصاری، خواجه بشیراحمد (۱۳۸۶)، زن در میزان فقه سیاسی اسلام، کابل، بنگاه انتشارات میوند
۲. جین منسیرج، سوزان مولراد کین و ویل کیمیلیکا (۱۳۸۷)، دو جستار درباره فلسفه سیاسی فمینیسم، مترجم: نیلوفر مهدبان، تهران، نشر نی
۳. حسن، رفعت (۱۳۹۲)، حقوق و وجایب زن در اسلام، مترجم: دوکتور روح‌الله مجددی، کابل، چاپ دوم
۴. دوبووار، سیمون (۱۳۸۸)، جنس دوم، مترجم، قاسم صنعوی، انتشارات توس، چاپ هشتم
۵. شیبستری، محمد مجتهد (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین
۶. شریفی، علی‌رضا (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمانی دموکراسی در افغانستان؛ موانع گفتمانی دموکراسی، کابل، ناشر: دانشگاه کاتب
۷. شریعتی، علی (۱۳۸۹)، زن؛ فاطمه فاطمه است، مشهد، چاپ دوم
۸. عماره، محمد (۱۳۸۱)، اسلام و هنرهای زیبا، مترجم: مجید احمدی، تهران، نشر احسان
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پنجاه و دوم
۱۰. مهریزی، مهدی (۱۳۹۲)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حالا نوبت دانه درشت‌ها است!

رییس‌جمهور باید فرمان رسیده‌گی به پرونده‌های فساد نجومی در معارف را صادر کند

علی پارسا

دفتر بازرسی ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان یا همان «سیگار»، حالا به کمک‌های آمریکا در عرصه معارف پرداخته و با گمانه‌زنی از وجود «مکاتب و معلمان خیالی»، خواهان تحقیق در این باره شده است. این در حالی است که پیش از این نیز وزرای جدید معارف و تحصیلات عالی هم با نقد از وزرای سلف‌شان، بر موضوعاتی مانند معلمان و مکاتب خیالی پرداخته بودند. به این ترتیب، حالا وقت آن است که به بهانه تحقیق بر نحوه مصارف کمک‌های بی‌شمار اداره انکشاف بین‌المللی آمریکا در عرصه آموزش و پرورش در افغانستان، بار دیگر پرونده وزارت معارف گشوده شود و عمل کرد آن به بررسی گرفته شود.

وقتی غربی‌ها و حکومت افغانستان در این ۱۴ سال از وزارت معارف و نهاد آموزش و پرورش در کشور یاد می‌کردند، معمولاً همیشه بادی به غیب می‌انداختند و با سرفرازی از ارقام قابل ملاحظه دانش‌آموزان مکاتب طی سال‌های متمادی یاد می‌کردند. شکی نیست که میان رقم ۹۰ هزار دانش‌آموز در سال ۲۰۰۲ تا ۸ میلیون دانش‌آموز در سال ۲۰۱۳ در سرتاسر افغانستان، تفاوت چشم‌گیری است که می‌تواند بیش از هر چیز مایه فخر و مباهات مسوولان آن را فراهم کند. از سوی دیگر، با توجه به این که در این سال‌ها عملاً در بسیاری از حوزه‌ها، حکومت غرق در فساد دستاورد قابل ملاحظه‌ی نداشته، این دستاورد نظام آموزش و پرورش کشور شاید همان یک‌چشمی باشد که در شهر کوران پادشاهی می‌کند.

با وصف این اما به هیچ‌وجه نباید از نقاط ضعف و ناکارایی‌های این وزارت و نهاد غافل شد. اگر وزارت معارف کشور همواره افتخار به مکاتب کشاندن میلیون‌ها دانش‌آموز را دارد، ولی نباید فراموش کرد که همین ولایت، اتهام سنگین و سهمگین «قومی‌سازی» اداره را هم یدک می‌کشد. با نگاهی کلی به نام و عناوین مدیران ارشد این اداره حتا در حال حاضر هم به‌خوبی دیده می‌شود

صرف مکاتب خیالی فاروق...

خارجی نداشته است. براساس نامه بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان، تنها از ماه می سال ۲۰۱۵ میلادی تاکنون ۷۶۹ میلیون دالر به بخش معارف افغانستان کمک شده است. نامه افزود: اداره سیگار به صحت این آمارها اعتماد ندارد.

در این نامه همچنین ۵ پرسش از اداره توسعه بین‌المللی آمریکا مطرح شده است که در زیر آمده است:

- ۱- چه کارهایی برای تحقیق جعلی بودن آمار دولت افغانستان انجام داده‌اید؟
- ۲- آیا اداره توسعه بین‌المللی آمریکا برآورد تخمینی از حجم پول‌های پرداختی به مکاتب، معلمان و مسوولین فرضی دارد؟
- ۳- در گذشته چگونه اداره توسعه، آمار دولت افغانستان و بانک جهانی را تأیید کرده است؟
- ۴- اداره توسعه بین‌المللی آمریکا در تبابی با بانک

خطر طالبان و داعش...

در گزارشی گفته بود که فرماندهان طالبان کمک‌های مالی و حمایت‌های نظامی از سپاه پاسداران ایران دریافت کرده اند.

بهرامی تصریح کرد که ما از طالبان حمایت نکرده‌ایم و از هیچ گروه تروریستی یا افراطی حمایت نخواهیم کرد.

وال استریت ژورنال افزود: ایران روابط پیچیده‌ی با طالبان دارد. تهران با رژیم سابق طالبان در کابل تا آستانه جنگ نیز پیش رفت، زمانی که قسولگری

که فاروق وردک در رأس نظام مدیریتی این اداره چه کرده است. تقلیل دادن یک نهاد ملی که وظیفه تعلیم و تربیت همه فرزندان این کشور از اقوام و گروه‌های مختلف را به عهده دارد، به یک وزارت قومی / خانواده‌گی، بزرگ‌ترین جفایی بود که یک فرد می‌توانست مرتکب شود.

از سوی دیگر، آن‌چه بر همه‌گان آشکار است این‌که: فاروق وردک هرچند هفت سال در رأس این وزارت حضور داشت، اما هیچ‌گاه چهره فرهنگی و مسلکی مناسبی برای این وزارت نبود؛ او چهره‌ی سیاسی بود که بنا بر ملاحظات سیاسی خاصی در این وزارت گماشته شد. همین امر هم سبب شد که معارف افغانستان در سال‌های گذشته، پله‌های ترقی و پیشرفت از نظر کیفی را کمتر پشت سر بگذارد و علی‌رغم رشد کمی آن، در عرصه کیفیت تغییرات چشم‌گیری رونما نشود. بدون شک، این امر ریشه در اراده و خواست حاکمیت داشته که آقای وردک به عنوان مسوول آن به‌خوبی از پس آن برآمده است.

اتهام فساد به اداره آقای وردک هم که حالا از زبان سیگار برآمده، همواره یکی از موضوعات مورد تأکید رسانه‌ها، اما مورد غفلت حکومت بوده است. این وزارت با بودجه کلانی که در اختیار دارد و کمک‌های بی‌شماری که از نهادها و کشورهای مختلف به دست می‌آورد، بارها و بارها متهم به فساد شده است. حجم این کمک‌ها و پول‌ها به اندازه‌ی بی‌شمار است که بنا به اظهارات اخیر سیگار، اداره انکشاف بین‌المللی سیگار تنها از ماه می ۲۰۱۵ تا کنون، ۷۶۹ میلیون دالر به این وزارت کمک کرده است. با وجود این ارقام نجومی، اما امکان وجود معلمان و مکاتب خیالی در مناطق نامن کشور و ... زمینه و امکان فسادهای مالی کلان را هم مهیا کرده است.

با تأکید وزرای معارف و تحصیلات عالی حکومت وحدت ملی بر آمارهای غیرواقعی وزارت معارف پیشین از پول‌هایی که به مصرف رسانده، به نظر می‌رسد که حالا همه به‌نجوی بر وجود فساد

جهانی و بقیه کشورهای حمایت‌کننده، برای درک بهتر وضعیت معارف در افغانستان و برای تأیید آمارهای داده شده از سوی دولت چه اقدامی کرده است؟

۵- با توجه به اتهام‌های وارد شده، اداره توسعه بین‌المللی آمریکا چه‌گونه روش کمک‌ها به روند معارف و فعالیت‌های آموزشی در افغانستان را تعدیل خواهد کرد؟

این پرسش‌ها در حالی در نامه بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان مطرح شده است که اداره سیگار کمک‌های آمریکا به وزارت معارف افغانستان را یکی از موفق‌ترین پروژه‌های بازسازی این کشور توسط آمریکا تلقی می‌کرد اما گزارش‌های جدید از احتمال تحریف آمارهای مکاتب و معلمان و همچنین اعمال نفوذ مقامات در امتحان ورودی دانشگاه، نتیجه این پروژه سنگین را زیر سؤال برده است.

فاروق وردک وزیر سابق معارف، این گزارش اداره سرمفتش خاص آمریکا برای بازسازی افغانستان را نادرست و یک توطیه می‌داند.

وی افزود: وزیر جدید معارف افغانستان باید ادعاهای

ایران در شهر مزار شریف در سال ۱۹۹۸ میلادی، هدف حمله قرار گرفت.

بهرامی که در دوران جنگ داخلی در دهه ۱۹۹۰ میلادی، به عنوان یک دیپلمات در افغانستان مشغول به فعالیت بوده، در این باره گفت: سیاست ایران حمایت از تروریست نیست، حتی اگر آن‌ها به طور غیر مستقیم از منافع ایران حمایت کنند.

وی افزود: دشمن دشمن من لزوماً دوست ما نیست. اجازه بدهید فراموش نکنیم که تروریسم، تروریسم است، افراطی‌گری افراطی‌گری است و هر دو خطرات مشابهی دارند.

گسترده در سکتور معارف کشور واقفاند. آن‌ها به‌صراحت از وجود مکاتب خیالی در مناطق نامن یاد کرده‌اند که پول‌های کلان این مکاتب همیشه به جیب مسوولان فسادپیشه آن می‌رفته است. به علاوه مسأله مهم دیگری که بازم از طریق وزرای حکومت وحدت ملی تصریح شده، اعمال نفوذ در امتحانات ورودی به دانشگاه‌هاست که بازم اوج فساد و تبعیض و در یوزه‌گی را در عرصه‌های مدیریتی این وزارت به نمایش می‌گذارد.

به نظر می‌رسد که حالا وقت آن رسیده است که رییس‌جمهور غنی کار بررسی پرونده دانه‌درشت‌ها را نیز آغاز کند. شکی نیست که فاروق وردک در حکومت پیشین، از مهندسان اصلی نظام بود و در این حکومت، از چهره‌های تأثیرگذار است. با این حال برای بسیاری‌ها از جمله کابینه رییس‌جمهور غنی و حتا شخص او به‌وضوح آشکار است که او یکی از چهره‌های اصلی فساد اداری و مایه بدنامی افغانستان بوده است. پس اگر قرار است شعار «مبارزه با فساد» لباس عینیت ببوشد، بهتر است که همین دانه‌درشت‌ها مورد مواخذه قرار گیرند.

با معرفی پرونده جمعی از مقامات بلندپایه وزارت شهرسازی و یا معاونان اداره آيسا به دادستانی، گاهی به نظر می‌رسد که حکومت وحدت ملی، کمی عزم پرداختن به پرونده‌های فساد را دارد. با وجود این اما همین که رییس‌جمهور غنی به وزیر پیشین شهرسازی و رییس پیشین اداره آيسا مصونیت حقوقی داده و تنها افراد بعد از آن‌ها را به دادستانی معرفی کرده، خود نشان می‌دهد که مبارزه با فساد هر قدر هم به گونه جدی در دستور کار حکومت باشد، اما به دانه‌درشت‌ها کاری ندارد.

حالا نوبت به وزارت معارف رسیده است. همه چیز مهیا است که رییس‌جمهور غنی در اقدامی بی‌سابقه نشان دهد که برخلاف سلفش دست‌کم در امر مبارزه با فساد مالی و اداری، «مصلحت‌گرا» نیست. هرچند که توقع چنین اقدامی از سوی بزرگ‌ترین حامی زاخیلوال به عنوان مادر فسادهای مالی در کشور، در حال حاضر خیال و رویایی بیش نیست!

خود را با ارایه اسناد معتبر ثابت کند.

وردک در واکنش به اظهارات وزرای این اداره و تحصیلات عالی گفت: هیچ مکتبی به شکل مستمر تعطیل نبود. این مکاتب حتی در روزهای تشدید جنگ میان دولت و نیروهای مسلح مخالف راه‌های جایگزینی را برای تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در دستور کار خودشان قرار می‌دادند و سال تحصیلی را به پایان می‌رساندند.

وی ادامه داد: پس از سال ۲۰۰۷ میلادی همه معلمان ثبت شدند و ۹۰ درصد آن‌ها دارای حساب بانکی هستند و دو بار در سال در آزمون شرکت می‌کنند بنابراین در چنین سیستمی امکان ارائه آمار از معلمان فرضی وجود ندارد.

آقای وردک گفت که پول ادعا شده از سوی اداره سیگار توسط وزارت معارف نه، بلکه توسط خود آمریکا و یا قراردادی‌های این کشور در افغانستان به مصرف رسیده است.

سیگار گفته است که حدود ۷۶۹ میلیون دالر آمریکا در بخش معارف افغانستان روی مکاتب و شاگردان خیالی به مصرف رسیده است.

وی در ادامه به خطر جدیدی که منطقه را تهدید می‌کند اشاره کرد و گفت: ظهور داعش به خطر جدیدی تبدیل شده است. بر اساس گزارش‌ها، داعش در حال تقویت مواضع خود و اجیر کردن نیروهای جدید است. ما داعش را یک تهدید بالقوه برای افغانستان و منطقه می‌دانیم.

سفیر ایران در افغانستان تأکید کرد که تجربه اخیر در خاورمیانه بهتر این موضوع را نشان داده است که ما نباید با این گروه‌های تروریستی با سهل‌انگاری و مامشات برخورد کنیم.

صدها نفر در جلال‌آباد در اعتراض به قطع برق راهپیمایی کردند



صدها نفر در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار در اعتراض به قطع برق دست به راهپیمایی زدند. برق ولایت ننگرهار و ولایت لغمان در همسایگی این ولایت از نیروگاه برق آبی "نغلو" در شرق کابل تامین می‌شود.

تظاهرکنندگان برای چند ساعت شاهراه کابل-جلال‌آباد را بستند و حکومت وحدت ملی را به سهل‌انگاری در نگهداری از خط انتقال برق به این دو ولایت متهم کردند. آنها از دولت خواستند که برای بازسازی خط انتقال برق اقدام کند و هشدار دادند که اگر دولت این کار را نکند، تظاهرکنندگان به اعتراض‌های خود ادامه خواهند داد.

برق ولایت‌های ننگرهار و لغمان از پنج روز پیش قطع شده است.

مقام‌های ولایت ننگرهار گفته‌اند که تلاش‌ها برای وصل دوباره جریان برق آغاز شده، اما مسوولان اداره برق این ولایت می‌گویند که این تلاش‌ها تا حال نتیجه ن داده است. مقام‌های محلی گفته‌اند که افراد مسلح و برخی از افراد محلی خط انتقال برق را در منطقه "آزبین" در شرق کابل قطع کرده‌اند.

این مقام‌ها همچنین گفته‌اند که این افراد به دلیل آنکه خود دسترسی به برق نداشته‌اند، خط انتقال برق را قطع کرده‌اند. دسترسی به نیروی برق در افغانستان محدود است و تنها ساکنان برخی از ولایت‌های این کشور به برق دسترسی دارند.

در افغانستان تأسیس...

تمویل شد که یک شبکه خصوصی متشکل از شرکت‌های چند ملیتی است و مرکز آن در دوی می باشد. این شبکه تمویل زیرساخت‌ها، انبارها و یخچال‌ها برای تاجران را به عهده خواهد گرفت.

تاجران افغانستان از طریق این بازار اینترنتی خواهند توانست به طور مثال اجناس زراعتی، دست ساز، سنگ‌های گران قیمت و فرش به فروش برسانند.

رحیمی گفت: «یک سال بعد این پروژه در مرحله اول در شهرهای بزرگ به جریان خواهد افتاد. ما همچنین می‌خواهیم برای دست‌یابی به مناطق روستایی کمپاین‌های بزرگ راه‌اندازی کنیم تا مردم امکان فروش محصولاتشان را داشته باشند».

تولید ناخالص داخلی افغانستان پس از یک دهه رشد دو رقمی از ۲.۵ میلیارد در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۲۰ میلیارد رسید، اما در دو سال گذشته هیچ‌گونه پیشرفتی نداشته است. دلیل آن ضربه‌هایی است که بر اثر انتخابات مناقشه‌برانگیز ریاست جمهوری و پایان ماموریت جنگی ناتو بر پیکره آن وارد شده است.

حکومت افغانستان انتظار دارد که درآمدش در سال روان به حدود ۱.۸ میلیارد دالر برسد، این مبلغ کمتر از درآمدی است که از راه فروش تریاک به دست می‌آید و طالبان نیز توسط آن خود را تمویل می‌کنند.

حکومت افغانستان بدون ۴ میلیارد کمک بین‌المللی سالانه که تا دست‌کم ۲۰۱۶ تضمین شده است قادر به پرداخت حقوق ۳۵۰ هزار سرباز و پولیس خود نخواهد بود که در خط مقدم جبهه با طالبان می‌جنگند.

مهاجرت بیش از دو و نیم...

را نشان می‌دهد.

نصف این رقم را کودکان تشکیل می‌دهند. ناامنی و بیکاری مهم‌ترین عامل مهاجرت می‌باشد.

در افغانستان پس از ایجاد دولت وحدت ملی مردم انتظار داشتند که وضعیت بهبود یابد و نان به دسترخوان مردم برگردد؛ اما روز به روز وضعیت بدتر می‌شود و روزنه‌ی برای آینده وجود ندارد. از همین رو، مردم همه روزه افغانستان را به مقصد کشورهای اروپایی، امریکایی و کشورهای همسایه ترک می‌کنند. وضعیت مهاجران افغانستان نیز اخیراً به ماندگار گفت که میزان مهاجرت‌ها در کشور افزایش یافته است.



بازی جاپان و افغانستان

۱۰۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه آزادی

تا چند روز دیگر در ورزشگاه آزادی تهران برگزار خواهد شد، ۱۰۰ هزار تماشاگر افغانی برای تشویق تیم ملی شان خواهند آمد. پیشتر در بازی تیم های امید افغانستان و ایران ۸۰ هزار تماشاگر افغانی برای تشویق تیم ملی به این ورزشگاه آمده بودند. این حضور، در تاریخ بازی های تیم ملی یک رکورد محسوب می شود. همچنین، طبق اعلام مسوولان فدراسیون فوتبال ایران دیدارهای تیم ملی افغانستان از این پس به خاطر ایرادات ورزشگاه ثامن مشهد به ورزشگاه آزادی منتقل شد که از جمله این دیدارها می توان به برگزاری دیدار افغانستان و جاپان اشاره کرد که در این صورت از حالا باید در انتظار حضور ۱۰۰ هزار نفر افغانستانی در این ورزشگاه برای تماشای دیدار دو تیم بود. دیدار اول افغانستان مقابل سوریه که با شکست ۶ بر صفر این تیم همراه شد در شهر مشهد برگزار شده بود.



برخی رسانه های ایرانی اعلام کرده اند که در بازی افغانستان و جاپان که

سمیر نصری: بارسلونا بهترین تیم در ده سال اخیر بوده است



سمیر نصری هافبک فرانسوی منچستر سیتی تمامی شایعات مبنی بر بازگشتش به فرانسه را رد کرد. سمیر نصری در مصاحبه با Sky Sports در مورد احتمال بازگشتش به فرانسه گفت: «من به بازگشت به فرانسه فکر نمی کنم. من می خواهم در MLS بازی کنم چرا که عاشق فرهنگ آمریکایی هستم.» نصری در مورد آینده اش در منچستر سیتی گفت: «هنوز چهار سال از قرارداد من با منچستر سیتی باقی مانده است، بنابراین من می خواهم بر روی بازیابی خودم تمرکز کنم. من در تمرینات پیش فصل برای بازگشت به آمادگی جسمانی با ذهنیتی جدید تا حد امکان تلاش خواهم کرد، سپس در جستجوی فصلی فوق العاده همراه با جام خواهم بود.» وی در مورد احتمال روی آوردن به حرفه مربیگری گفت: «چرا که نه؟ من به زودی شروع به گرفتن مدارک مربیگری می کنم تا وقتی که از دنیای فوتبال خداحافظی کردم، سریعاً به این حرفه روی بیاورم.»

این هافبک سابق آرسنال در مورد فصل گذشته گفت: «من فصل بدی را سپری کردم. از نقطه نظر شخصی فصلی نا امید کننده بود، چرا که من نمی توانستم همان کارایی سال قبل را داشته باشم و مصدومیت های زیادی را تجربه کردم که بیشترین حد مصدومیت در طول زندگی حرفه ای ام بود.» «زمانی که شما برای تیمی همچون منچستر سیتی به میدان می روید، انتظار می رود که هر سال جام کسب کنید. ما در مورد فصل گذشته خوشحال نیستیم. ما همگی ناامید بودیم، زیرا از کیفیت واقعی خودمان باخبر بودیم و می دانستیم که می توانیم بهتر عمل کنیم.» «زمانی که چلسی واقعا تیمی منسجم و باثبات نشان می داد، ما در خانه جام را از دست دادیم. همچنین رکورد ما در مقابل تیم هایی که سقوط کردند واقعا بد بود. ما پنج امتیاز در مقابل برنلی، دو امتیاز در مقابل کیو پی آر و دو امتیاز در مقابل هال سیتی از دست دادیم.»

نصری در مورد حذف از لیگ قهرمانان اروپا نیز گفت: «ما به بارسلونا باختیم که احتمالاً بهترین تیم بارسلونا در ده سال اخیر بوده است و ما مانند تیم های دیگر با فاصله زیاد بازی را واگذار نکردیم. من تصور می کنم که در قرعه کشی ما بدشانسی آوردیم.» «ما لیگ قهرمانان اروپا را فقط به دلیل کیفیت واگذار نکردیم. ما واقعا بدشانس بودیم که به بارسلونا برخورد کردیم. سال قبل ما بهترین شانسمان را از در مقابل بارسلونا از دست دادیم، اما امسال آن ها واقعا باورنکردنی بودند. سه مهاجم آن ها در مجموع ۱۲۲ گل به ثمر رساندند. من تصور می کنم بارسلونا در حال حاضر بهترین تیم جهان است.»

انتقاد رونالدو از رفتار نیمار در تیم ملی برازیل



کارهایی نیست. تیم ملی برزیل در آخرین بازی خود در مرحله گروهی کوپا آمریکا، بدون نیمار باید هر سه امتیاز دیدار با ونزوئلا را کسب کند، در غیر این صورت صعودش به مرحله یک چهارم نهایی به اما و اگرهای زیادی وابسته خواهد شد.

ستاره پیشین خط حمله سلسائو رویکرد مهاجم بارسلونا را در دیدار اخیر تیم ملی برزیل در رقابت های کوپا آمریکا ناشایست توصیف کرد. رونالدو اعتراف کرد از رفتاری که نیمار در بازی اخیر تیم ملی برزیل برابر کلمبیا در دور دوم بازی های مرحله گروهی کوپا آمریکا داشت، ناراضی است. در این بازی که برزیلی ها یک بر صفر باختند، نیمار به خاطر درگیری با چند بازیکن کلمبیا اخراج شد و به این ترتیب سلسائو در آخرین بازی خود در مرحله گروهی رقابت ها برابر ونزوئلا باید بدون کاپیتان ۲۳ ساله خود به میدان برود.

نیمار در جریان بازی کشورش با کلمبیا، در یک صحنه سعی داشت توپ را به بدن پابلو آرمرو، بازیکن حریف بکوبد و پس از آن هم تلاش کرد که با سر ضربه ای به جیسون موریو بزند که همین اتفاق باعث اغتشاش در زمین بازی شد.

مهاجم بارسلونا بابت جنجالی که در زمین بازی به راه انداخت نه تنها ابراز پشیمانی نکرده بلکه از آن دفاع هم کرده و داور را در متشنج شدن جو بازی مقصر دانسته است. این رویکرد نیمار اما چندین مذاق هموطن او خوش نیامده است.

رونالدو در گفت و گو با شبکه گلوبوی برزیل گفت: کارهایی که نیمار در زمین انجام داد و حرف هایی که پس از آن زده است، هیچ توجیهی ندارند. در حال حاضر او اوقات سختی را سپری می کند اما تیم ملی برزیل جایی انجام چنین

رونالدینیو:

دیگر از فوتبال لذت نمی برم

ستاره سابق فوتبال برزیل و دنیا می گوید دیگر مثل سابق از فوتبال لذت نمی برد و بازی های کوپا آما ریکا را دنبال نمی کند. رونالدینیو آخرین بار برای اسکولاری در چند بازی دوستانه بازی کرد. او در جام جهانی نیز غایب بود و پس از حضور دونگا نیز در اردوی تیم ملی برزیل دیده نشد و به نظر می رسد دیگر این بازیکن تکنیکی را در تیم ملی برزیل نبینیم. رونالدینیو درباره کوپا ۲۰۱۵ گفت: من اصلاً این بازی ها را دنبال نمی کنم و نمی دانم بازی ها در چه مرحله ای قرار دارد. فقط می خواهم استراحت کنم و از زندگی لذت ببرم. راستش را بخواهید دیگر مثل سابق از فوتبال لذت نمی برم و دیگر آن شور و شوق را برای فوتبال ندارم. او درباره آینده خود نیز گفت: این را باید از برادرم بپرسید که مدیر برنامه های من است. نمی دانم چه اتفاقاتی برایم خواهد افتاد و استرسی هم ندارم چرا که یک سال دیگر با کوئرتو قرارداد دارم.



ستاره های فوتبال جهان ماه رمضان را تبریک گفتند

بسیاری از ستاره های مسلمان فوتبال جهان، شروع ماه مبارک رمضان را تبریک گفتند.

با شروع ماه مبارک رمضان، فوتبالیست ها و ستاره های حرفه ای دنیای فوتبال نیز این ماه را در صفحات شخصی خود تبریک گفتند.

بیشتر بازیکنان با تبریک شروع این ماه، برای هواداران خود نیز آرزوی موفقیت کردند.

کریم بنزما ستاره فرانسوی رئال مادرید، شکودران مصطفی ستاره آلبانیایی تبار تیم ملی آلمان، مسوت اوزیل بازیکن تیم ملی آلمان، اریک آبدال ستاره سابق تیم ملی فرانسه و بارسلونا، دمبا با عضو بشیکتاش، فرانک ریبوری، محمد صلاح، کولو توره، سمیر نصری و موسی دمبله نیز سایر بازیکنانی بودند که در شبکه های اجتماعی خود شروع ماه مبارک رمضان را تبریک گفتند.

پیش نویس توافق نامه ۱۰ بندی سازمان ملل برای پایان درگیری‌ها در یمن

سنای امریکا لایحه بودجه دفاعی این کشور را تصویب کرد



سنای امریکا لایحه بودجه ۶۱۲ میلیارد الی سیاست‌گذاری دفاعی این کشور را که بر تجهیز نیروهای دولتی اوکراین و جلوگیری از بسته شدن پایگاه‌های امریکایی تاکید کرده و کار باراک اوباما را برای تعطیل کردن زندان گوانتانامو دشوار ساخته، تصویب کرد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، مجلس سنای امریکا با ۷۱ رای موافق در مقابل ۲۵ رای مخالف لایحه بودجه دفاعی این کشور را که اوباما آن را تهدید به وتو کرده، تصویب کرد. این لایحه اکنون باید با نسخه دیگری که مجلس نمایندگان امریکا تصویب کرده یکی شود.

همچنین در این لایحه حقوق پرسنل زن و مرد نظامی امریکا ۲،۳ درصد افزایش می‌یابد. همچنین این لایحه تصریح ساخته که شکنجه‌کردن زندانی‌ها ممنوع است. این لایحه در حالی تصویب شد که لحظاتی پس از رای قاطع سنای امریکا به آن دموکرات‌ها یک لایحه دیگر را که اعتبارات فعلی پنتاگون را تامین می‌کرد، مسدود می‌کرد.

این لایحه در سنا با ۵۰ رای موافق در مقابل ۴۵ رای مخالف ناکام ماند در حالی که ۱۰ رای دیگر لازم داشت تا در سنا تصویب شود.

در سنای امریکا رهبران دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در مورد تصویب این لوایح مشاجراتی پیدا کردند که نشان‌دهنده اختلافات گسترده آنها در زمینه بودجه بود و احتمالاً این اختلافات باعث کشاندن شدن فرآیند تصویب بودجه تا پایان تابستان و تا زمان ضرب‌الاجل ۳۰ سپتامبر خواهد شد.



فرستاده سازمان ملل به یمن پیش‌نویس توافق‌نامه‌یی را که شامل ۱۰ بند است به طرف‌های یمنی در ژنو ارائه کرده که در صورت توافق نهایی این طرف‌ها با این پیش‌نویس خبر آن به زودی اعلام می‌شود. همچنین سخنگوی سازمان ملل از توافق طرف‌های یمنی با آغاز آتش بس در این کشور خبر داد که جزئیات آن بعداً اعلام می‌شود. به گزارش روزنامه «العربی الجدید»، «اسماعیل ولد الشیخ احمد» فرستاده سازمان ملل به یمن پیش‌نویس توافق‌نامه‌یی را برای پایان درگیری‌ها در یمن به طرف‌های مذاکره‌کننده یمنی در ژنو ارائه کرده است که مورد توافق اکثر این طرف‌هاست. این ده بند شامل موارد زیر است:

۱. توقف درگیری‌ها با عقب نشینی هوسی‌ها از مناطق تحت کنترل خود.
۲. ایجاد ابزار و راهکاری برای اجرای آتش بس و عقب نشینی و ممانعت از خلأ امنیتی.
۳. تشکیل ابزار و ایجاد راهکار بین‌المللی برای نظارت بر آتش بس و عقب نشینی.
۴. اعزام تیم فنی متخصص برای اجرای بندهای توافق نامه.
۵. از سرگیری ارائه خدمات ضروری به مردم یمن.
۶. فعالیت و همکاری با طرف‌های منطقه‌یی و بین‌المللی جهت اجرای

توافق نامه.

۷. تضمین رسیدن کمک‌های بشردوستانه به طور سریع و بدون محدودیت.
۸. ایجاد ابزار بین‌المللی برای بازرسی کالاهای تجارتي از طریق دریا، زمین و هوا.
۹. احترام به قوانین بین‌المللی و قوانین حقوق بشری.
۱۰. ادامه مذاکرات فرستاده سازمان ملل با بقیه گروه‌های یمنی.

در همین راستا احمد فوزی سخنگوی بان کی مون دبیرکل سازمان ملل از توافق طرف‌های یمنی با آتش بس خبر داد که جزئیات آن بعداً اعلام می‌شود. همچنین فرستاده سازمان ملل به یمن ابراز امیدواری کرد که طرف‌های یمنی در پایان امروز به پیشرفتی درخصوص توافق آتش بس برسند.

همچنین در حالی که منابعی اعلام کرده بودند که احتمالاً مذاکرات ژنو درباره یمن تا اوایل هفته آتی تمدید شود سخنگوی سازمان ملل این اخبار را تکذیب کرد. قرار است هیئت دولت مستعفی یمن امروز (شنبه) و هیأت هوسی‌ها و دیگر شرکت‌کنندگان یمنی در مذاکرات فردا (یکشنبه) ژنو را ترک کنند تا زمان دیگری مذاکرات را از سر بگیرند.

از سوی دیگر سازمان ملل ضمن هشدار نسبت به وقوع فاجعه قریب الوقوع در یمن اعلام کرد که این سازمان برای رفع نیازهای انسانی در یمن به ۱،۶ میلیارد دالر نیاز دارد.

رییس جمهوری پاکستان:

ارتش پاکستان آماده حمایت از مرزهای عربستان سعودی است



برگزار شد، در راستای همین تلاش‌ها بوده است. رییس جمهوری پاکستان افزود: من به اتفاق دیگر مقامات جهان اسلام امیدواریم بحران یمن به پایان برسد و این راه حل هم مسالمت آمیز باشد. وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو اعلام کرد: اگر اوضاع به گونه‌یی در جهت نادرست وخیم تر شود، در آن صورت دولت پاکستان در کنار پادشاهی عربستان سعودی خواهد بود.

رییس جمهور پاکستان در پایان گفت: دو میلیون شهروند پاکستانی هم اکنون در عربستان سعودی زندگی می‌کنند، از این رو این افراد خود را مدیون عربستان سعودی می‌دانند، و در دفاع از کشور عربستان در صف نخست خواهند ایستاد.

رییس جمهوری پاکستان از آمادگی ارتش کشورش برای حمایت از مرزهای عربستان سعودی خبر داد. ممنون حسین رییس جمهوری پاکستان تاکید کرد، ارتش پاکستان آماده از مرزهای کشور پادشاهی عربستان سعودی در مقابل آنچه که حملات حوثی‌ها خوانند، دفاع کند.

ممنون حسین در این باره به روزنامه الشرق الاوسط گفت: کشورم از همان روز اول بحران فعالیت خود را آغاز کرد، از همان روز نخست وزیر پاکستان با مقامات عالی رتبه سعودی دیدارهایی را ترتیب داد.

رییس جمهوری پاکستان در این باره افزود: نخست وزیرمان حتی با رجب طیب اردوغان رییس جمهوری ترکیه دیداری ترتیب داد، و مقرر شد به اتفاق دیگر کشورهای اسلامی فعالیت برای ایجاد راه حلی برای این بحران در نظر گرفته شود. ممنون حسین افزود: نشست اخیر سازمان همکاری‌های اسلامی که در شهر جدّه عربستان سعودی